

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اراده برای زیست و کین پرشور نسبت به فرومایگی های گذران عادی ،
 که لنین مظهر نیرومند آن بود ، مرا مسحور خود میساخت . من از
 تهور دلیرانه پر از نشاط جوانی او که هر چه را میخواست به کمک آن
 به انجام میرساند لذت میبردم .

ماکسیم گورکی

از : « خطرات درباره لنین »

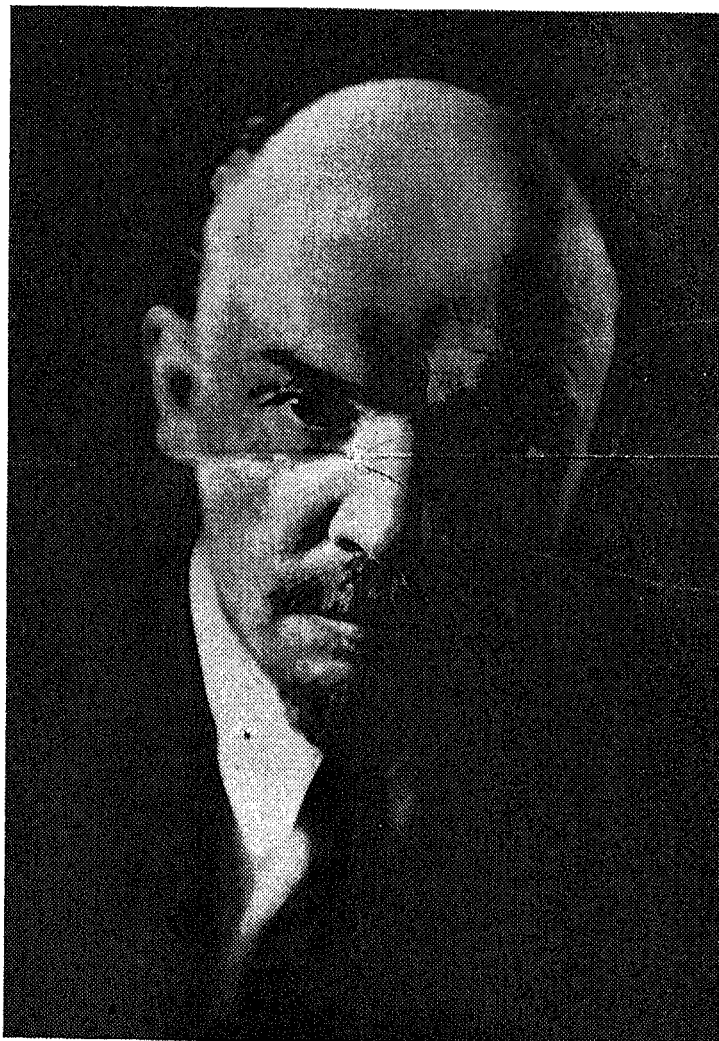
آینده ای که لنین میدید

۱ - رشته سرخ رنگ میگوید: «مرد آخرین مبارک بنده ایست .»
 سخن حکمت آمیز است که آنکس که از سکوی آینده مینگرد، اکنون را

بهبتر میفهمد و گذشته را ژرفتر در می یابد .
 آگاهی از سیر امور در آینده کار آسانی
 نیست . اینکار ، چنانکه مدعیانی در تاریخ
 گفته اند ، از طریق کجانات و جادوگری یا
 نبوت و وحی ممکن نیست . اینکار تنها از
 دست علم ساخته است . هر گاه شما به راز
 درونی حرکت تاریخ ، به قوانین تکامل آن
 پی برید ، میتوانید آنرا پیش بینی کنید .
 مارکس ، انگلس و لنین که این نبض طینده
 را در زیر انگشتان حساس تجسس و بصارت
 خود داشتند ، آینده را بروشنی میدیدند ،
 گفته ها ، پیش بینی ها ، زنهار باش ها و
 بشارتهای آنها در آزمایشگاه تاریخ معتبر از
 کار در آمد و جادوگری ایدئولوگ های
 سرمایه داری که زوال مارکسیسم ، شکست
 انقلاب پرولتاری ، انهدام جامعه سوسیالیستی ،
 محو لنینسم را وعده میدادند بدروغی ننگین
 بدل شد .

هربرت جارج وولز نویسنده انگلیسی
 پس از دیدار با لنین وی را « پندار باف
 کرمین » نامید . وی اندیشه لنین را که
 روسه ای غرق در تاریکی قحطی و عقب
 ماندگی و جهالت را روشن از پرتو میلارد
 ها ستاره الکتریکی میدید ، اندیشه یک
 خیالپرور میخواند . ولی پیش بینی علمی لنین
 از نوع رؤیا بافی نبود . زمان گذشت و این
 لنین بود که پیروز شد .

لنین پیوسته پند میداد که در پیچ و خم
 های تاریخ و در زیر آگاهی متعبد آن نباید
 گمراه شد و دورنمای عمومی را نباید از دست
 داد . وی میگفت : « باید رشته سرخ رنگی
 را که سرآبای تکامل سرمایه داری و راه به
 سوی سوسیالیسم را پیوند میدهد ، دید . »
 (کلیات بزبان روسی ، جلد ۳۶ ، ص ۴۷)
 دنباله در صفحه ۲



پیام

کمیل مرکزی حزب توده ایران
 بمناسبت صدمین سالروز
 لنین

هموطنان! کارگران، دهقانان، زحمتکشان
 ایران! خواهران و برادران عزیز!
 دوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ درست
 یکصد سال از تولد لنین آن رادمرد بزرگی
 میگذرد که نامش مظهر پیروزی انقلاب کبیر
 سوسیالیستی اکتبر ، نخستین انقلاب مظهر
 کارگری جهان ، عظیم ترین و ژرفترین
 انقلاب تاریخ بشری و سرمنشاء کلیه تحولات
 انقلابی دنیای معاصر است .

لنین پیشوای داهی بشریت زحمتکش

باه و سه سال پیش توده های
 زحمتکش روسیه برهبری لنین بزرگ و حزب
 بلشویک که لنین بنیاد گذار آن بود ، پیا
 خاسته نه تنها سلطنت جابر و فاسد تزار ها
 را برانداختند بلکه بحکومت استعمارگران
 دنباله در صفحه ۶

دیدار من با لنین ، داهی کبیر پرولتاریای جهان

سخنرانی رفیق کهن سال ما سیروس بهرام
 (آخوند زاده) در سمینار علمی بمناسبت
 سده لنین

انقلاب کبیر اکتبر که در تحت رهبری
 حزب کمونیست روسیه و در زیر سر پرستی
 ولادیمیر ایلیچ لنین صورت گرفت ، خلق
 های زحمتکش روسیه را از زنجیر اسارت
 تزاری و ستم استعمارگران بطور قطعی رهائی
 بخشید و تمام گوشه های تاریک جهان را با
 فروغ اندیشه های لنینی منور ساخت و ملل
 ستمدیده را بسوی بیکار در راه آزادی و
 رهائی از اسارت سوق داد .
 دنباله در صفحه ۳

سپه ای انسانی لنین

یک رهبر واقعی

دائمی بخاطر خوشبختی انسانها ، وفاداری پر
 شور نسبت به حزب ، به طبقه کارگر و باور
 عمیق به صحت و حقانیت این دو در او جمع
 بود ، کارگران لنین را چنین توصیف
 میکردند : « مثل حقیقت ساده است » او رهبر
 واقعی بشریت نوین بود .

کرویسکا یا هسر و هرزم لنین درباره
 آخرین هفته زندگی او به ماکسیم گورکی

لنین بمثابة يك انسان ، جاذبه ای نیرومند
 داشت . کسانی که او را از نزدیک می شناختند
 بحق معتقد بودند که خصال لنین ، نمونه انسان
 آینده جامعه کمونیستی را عرضه میکند .
 دور اندیشی و خرد همراه با سادگی و فروتنی
 سختگیری و آشتی ناپذیری نسبت به دشمنان
 طبقاتی همراه با توجه پر شور نسبت به رفقا ،
 عشق به مردم ، عشق به کودکان ، دلسوزی

چنین نوشت : « تا آخرین لحظه حیات همان
 ماند که بود : انسانی با اراده نیرومند ، با اعتماد
 بنفس کامل ، حتی در شب قبل از مرگش
 میخندید ، شوخی میکرد و صمیمانه به فکر
 دیگران بود . . . »

دشمن شخص پرستی

لنین با قاطعیت کامل مخالف هر گونه
 تجلیل از شخص خود و هر گونه ستایش از
 خدمات خود بود . او هر گاه با چنین پدیده
 هائی برخورد میکرد صدافغانه ناراحت میشد .
 در سپتامبر سال ۱۹۱۸ عده ای از همکاران
 دنباله در صفحه ۸

«... طبقه انقلابی برای انجام وظیفه خود باید بر تمام اشکال یا جوانب فعالیت اجتماعی، بدون هیچ استثنائی، تسلط داشته باشد»

و «... طبقه انقلابی باید برای تعویض بسیار سریع و ناگهانی یک شکل با شکل دیگر آماده باشد» (لنین، جلد ۳۱، ص ۷۶)

دنباله از صفحه ۱

آیندهای که لنین میدید

اگر بخواهیم از پیش بینی علمی لنین در باره سیر آینده امور و از تحقق آنها سخن گوئیم، باید به بررسی مفصلی پردازیم یعنی بکار، که در حوصله یک مقاله گنجیدنی نیست. ولی میتوان در باره دو نکته اصلی که در دیگر گونهای عصر ما مسائل مرکزی است سخن گفت و نشان داد که لنین، این خرد نیرومند و انقلابی، در دروازه سده بیستم چگونه سیر آتی کاروان انسانی را در راه خارا گین تاریخ این دوران میدید و چه خوب میدید.

۲- چهره جهان آینده

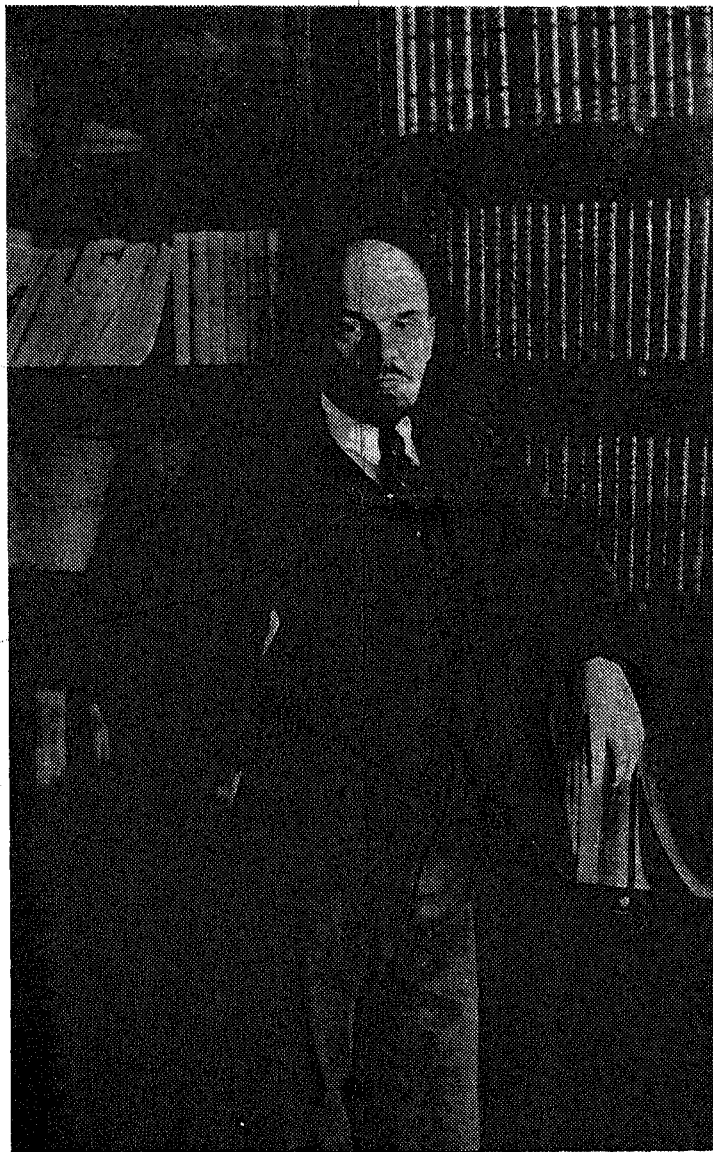
در هیاهوی کاهن بورژوائی که انقلاب اکتبر را یک خطای اسف انگیز تاریخ جلوه میدادند و با خطوط درشت در سرلوحه صد ها روزنامه شکست و سقوط عنقریب حاکمیت شوراهارا پیش بینی میکردند لنین خونسردانه چنین مینوشت: «نبرد دو شیوه، دو فرمایشون، دو اقتصاد کمونیستی و سرمایه داری چهره جهان را معین خواهد کرد» (جلد ۲، ص ۷۵)

دقت کنید! لنین در یک جمله فشرده با چه اصابتی محتوی اساسی دوران ما را روشن کرده است. او میدید که جامعه نوین سوسیالیستی که انقلاب اکتبر جوانه آنرا روپانده بود، نیرو خواهد گرفت و با جامعه کهن، مغرور و متجاوز سرمایه داری وارد نبرد خواهد شد و تمام سیر آتی امور، سیر پر فراز و نشیب این نبرد، نیرو گرفتن بیش از پیش نظام نوین سوسیالیستی، زوال و ضعف بیش از پیش نظام کهن سرمایه داری است. در باره دلیل علمی این امر لنین مینوشت: «سوسیالیسم سازمان اجتماعی کار عالی تری نسبت به سرمایه داری است و این امر ماهیت و منبع نیرو و وثیقه پیروزی کامل کمونیسم است» (جلد ۳۹، ص ۱۳). نظری به آهنگ رشد اقتصادی نخستین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی جهان، اتحاد شوروی و مقایسه آن با راقی ترین کشورهای سرمایه داری، صحت و اصابت پیش بینی لنین را به روشنی نشان میدهد. اتحاد شوروی طی سال های صلح آمیز بطور متوسط با آهنگ رشد ۱۴ درصد و طی سالهای صلح و جنگ با آهنگ رشد متوسط ۹٫۹ تکامل اقتصادی خود را طی کرده است. آهنگ رشد کشور های سرمایه داری درجه اول جهان (ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان) در فاصله بین جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی ۲٫۷ در صد و در فاصله بین جنگ دوم جهانی تا امروز بطور متوسط ۳٫۷ درصد بوده است. سرمایه داری این افزایش ناچیز آهنگ رشد را به بهای تفلای فراوان

کارکنان «مردم» عید باستانی نوروز را به همه خوانندگان عزیز خود صمیمانه شادباش میگویند.

بدست آورده است، مانند: افزایش مخارج نظامی تا حد ۳۷ درصد مجموعه بودجه، بسط شدید بازرگانی خارجی، بهره جوئی از انقلاب علمی و فنی، استقرار سیستم سرمایه داری انحصاری دولتی و استفاده از مکانیزم

و گذشتن از راقی ترین کشورهای سرمایه داری جهان با سرعت فراوان ادامه دارد. اگر اتحاد شوروی از جهت حجم تولید صنعتی در پایان جنگ دوم جهانی تنها ۳۰ درصد ایالات متحده آمریکا بود، اکنون این میزان به ۷۰ درصد رسیده است! آن موعده دور نیست که شوروی از جهت حجم محصولات صنعتی و سپس از جهت سرانه آن بر آمریکا پیشی گیرد. سطح فرهنگ و رفاه عمومی نیز همراه



آری پهلوان نوخیز تاریخ نیرو میگیرد و باتکاء سیاست صلح آمیز و انسانی خویش، با ارائه ثمرات عالی خلاقیت میلیونها و میلیونها انسان زحمتکش، لحظه پیروزی قطعی بر سرمایه داری را دمدم نزدیکتر میکند.

همراه لنین و به پیروی او به تحقق قطعی چنین واقعه ای در آینده ایقان داشته باشیم!

۳- تحول کیفی در جنبشها

نکته مهم دیگری که لنین در ارزیابی آینده بشر میدید بسط جنبش انقلابی خلقها و تحول کیفی مضمون این جنبش است. به این جملات ژرف لنین دقت کنید: «جنبش اکثریت مردم جهان، که در آغاز هدفش آزادی ملی بود، در نبردهای قاطع انقلاب جهانی آینده، علیه سرمایه داری و امپریالیسم متوجه خواهد شد و احتمالاً براتب بیش از آنچه که ما انتظار داریم، نقش انقلابی ایفاء خواهد کرد.» (جلد ۴، ص ۳۸). این سخنان و خشورانه لنین نیز به تحقق پیوست. جنبشهای رهائی بخش در کادر خالص ملی محدود نماند و چنانکه آنرا در دهها نمونه در آسیا، افریقا، امریکای لاتین دیده ایم و می بینیم، دمدم سیر رادیکال تری می یابد و طرف تیز آن علیه امپریالیسم و سرمایه داری متوجه میگردد، یعنی بیش از پیش ثابت میشود که رهائی ملی بدون رهائی طبقاتی میسر نیست و لذا بیش از پیش جنبشهای ملی رهائی بخش به متحد نیرومند جنبشهای انقلابی پرولتاری میبدل میشوند، یعنی این جنبش دیگر تنها «ذخیره» انقلاب جهانی نیست بلکه بخش ترکیبی ارگانیک این انقلاب است. بالاترین اعتبار سیستم جهانی سوسیالیستی بسط و وردهای اقتصادی و فرهنگی و سیاست عمیقاً بشری و صلحدوستانه اش، تزلزل دائمی اعتبار سیستم جهانی سرمایه داری بسبب معایب عیان اقتصادی و اجتماعی و سیاست عمیقاً ارتجاعی، چنگک طلبانه و ضد بشری آن، تأثیر قاطع در این تحول کیفی جنبشهای رهائی بخش داشته است و دارد. تردیدی نیست که جنبش های رهائی بخش برای آنکه به جنبشهایی با قبول رهبری ایده نولوژیک و سیاسی پرولتاریا بدل شوند راه پر فراز و نشیبی را طی میکنند ولی تمام واقعیات عصر ما ثابت میکند که در نیمه راه نمیتوان ماند. کسب استقلال ملی از پذیرش راه رشد غیر سرمایه داری انفکاک ناپذیر است. در آمیختن جنبش های انقلابی پرولتاری در کشورهای رشد یافته سرمایه داری با جنبشهای رهائی بخش که خصالت نوینی کسب کرده اند پروسه واحد انقلابی جهان ما را تشدید و تقویت میکند. آن نیروی سیاسی که قادر است وحدت این پروسه واحد را از جهت خط مشی و عمل تأمین نماید احزاب طراز نوین کارگری است که مارکسیسم - لنینیسم را بر پرچم خود نگاشته اند. طبیعی است که راه پیروزی این پروسه پخته در دهه ۵

رشد اقتصادی با سرعت و قوت حیرت انگیز در جامعه سوسیالیستی شوروی اوج گرفته است. بعنوان نمونه میتوان گفت که مساحت منازل مسکونی نسبت به سال ۱۹۱۳ هشت برابر شده است و تعداد محصلین از همه نوع از قریب ده میلیون در دوران پیش از انقلاب به ۵۰ میلیون رسیده است! و همه این دستاورد ها علیرغم لطافات سنگینی است که امپریالیسم بوسیله جنگ ها و توطئه ها و محاصره های اقتصادی به سوسیالیسم وارد ساخته است و کماکان میکوشد وارد سازد.

دولت برای مالیاتها، سرمایه گذاری، خرید های عمده، تأمین بازار و غیره و غیره. مثلاً برای آنکه دامنه وسیع نظامی کردن اقتصاد که سرمایه داری آنرا «اکسیر» نجات خویش میدانند روشن شود، کافی است بگوئیم ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۶۸ بیش از یک تریلیون دلار صرف مخارج نظامی کرده یعنی بیش از دو برابر مجموع هزینه های نظامی سراسر تاریخ آمریکا تا سال ۱۹۴۵! پیشرفت اتحاد شوروی در جهت رسیدن

انقلابیونی که نتوانند اشکال غیر علنی مبارزه را با کلیه اشکال علنی توأم سازند انقلابیون بسیار بدی هستند .

(لنین، جلد ۳۱، ص ۷۶ - ۷۷)

دنباله از صفحه ۱

دیدار من با لنین، داهی کبیر پرولتاریای جهان

لنین و کومینترن مصلحت های ضروری خواسته شود .

در کنگره خلقهای شرق منعقد در باکو برای اعزام بمسکو قریب ۱۷ نفر نماینده انتخاب شده بود. از طرف حکومت انقلابی آذربایجان برای اعزام نمایندگان مزبور بمسکو يك قطار مخصوص راه آهن تجهیز شد که در آن چند واگن برای نمایندگان اختصاص داشت و برای حفظ جان آنان نگهبانان مسلح گمارده شده بودند .

کنگه اول امپریالیستی در روسیه آن روزه ویرانه های فراوانی بار آورده بود که رفع کامل آنها حتی در سال ۱۹۱۰ برای مردم روسیه امکان پذیر نشده بود . مداخلات امپریالیست های جهان در کار های انقلابی روسیه و عملیات ضد شوروی طبقات مرتجع داخلی که هنوز بکلی تارومار نشده بودند، ادامه داشت . بعادت خرابی خطوط آهن و بمنظور پیش گیری از حوادث غیر منتظره قطار ما با سرعت معمول لازمه حرکت نمیکرد . حکومت شوروی برای اینکه واگن های ما با هجوم ناگهانی دشمنان مواجه نگردد یکسلسله اقدامات لازمه را بعمل آورده بود . قطار ما از ایستگاه «مزدوک» بسبب مصادمه میان قزاقهای انقلابی و ضد انقلابی در تحت حفاظت قطار زره پوش که با توپها مجهز بود براه خود ادامه میداد . من گاهی اوقات از واگنهای خود میدیدیم که چگونه قزاقهای سرخ قزاقهای مرتجع را تعقیب میکنند .

به حال بمسکو رسیدیم ، لنین کبیر در آن روزها سخت بیمار بود و دکتر هاشرکت او را در کار های حزبی و دولتی بطور قطع منع کرده بودند . لیکن ما در آن زمان بسبب ناپختگی خود و ثانیاً نظر باینکه ملاقات با لنین و اخذ مصلحت ها و راهنماییها را از وی اکیداً بماتوصیه کرده بودند، به دستور دکتر ها رضایت نشان ندادیم و نخواستیم رفیق لنین را ندیده و رهنمود های او را از خود وی نشنیده باز گردیم . ما خواهش مؤکد کردیم که رفیق لنین ما را بحضور خود راه دهد ، سرانجام در نتیجه خواهشهای مکرر خود موفق شدیم که بحضور رفیق لنین برسیم .

ما در یکی از عمارات کاخ کرملین در اتاقهای پهلوی خوابگاه رفیق لنین گرد آمدیم . کمی نگذشت که رفیق لنین با همان حالت بیماری ، در خوابگاه خود را گشوده به اتاقی که ما نشسته بودیم وارد شد . ما از جا برخاستیم و رفیق لنین را با خرسندی تمام استقبال کردیم . این اطاق آقدر بزرگ نبود و در وسط آن يك ميز بزرگ دراز گذاشته و در اطراف آن صندلیهایی چیده بودند . رفیق لنین بکار میز آمده و نشست ، در دست راست لنین يك بانوی منشی نشست که نامش در خاطر من نمانده است . در سمت چپ لنین

زحمتکشان مظلوم جهان و منجمله زحمتکشان ایران و اغلب کشورهای خاور زمین نیز برای رهائی از چنگک امپریالیستها و دست نشاندهگان آنها در میهن خود یعنی برای نجات از یوغ پادشاهان و اشراف جابر و وطن فروش به جنبش در آمدند و بمبارزه برخاستند .

برای مبارزه بیروزمندانها بدشمنان خارجی و داخلی بر انقلابیون فرض بود که با مار کپسیم - لنینیسم مسلح شوند و از تجارب فراوان انقلابی مثل روسیه بهره مند گردند . بدین منظور بود ، که در سال ۱۹۲۰ کنگره انقلابی «ممالک شرق» با شرکت نمایندگان يك سلسله از کشورهای خاور زمین در شهر باکو تشکیل گردید . در این کنگره کمونیستهای ایران نیز فعالانه شرکت جستند . در برابر همه انقلابیون يك سلسله مسائل مهم که حاضر اهمیت بود قرار داشت و حل صحیح این مسائل بدون مصلحت و مساعدت رهبران پر تجربه پرولتاریای روسیه شوروی سسی دشوار بود . بدینجهت نمایندگان کنگره مزبور بعد از بررسی همه جانبه این مسئله در فرا کسیون های کمونیستی کنگره باین نتیجه رسیدند که از طرف هر يك فرا کسیون و سایر سازمانهای انقلابی دو یا سه نفر نماینده انتخاب شوند و برای دادن گزارش جریان کار های انقلابی و دریافت رهنمود ها و اندرزهای لازمه به نزد لنین کبیر بروند و همچنین به بن الملل سوم کمونیستی (کمینترن) اعزام گردند .

در آن استالین از جانب بلشویکهای روس در کومینترن نماینده گی داشت و در عین حال رئیس این مؤسسه نیز بود . کمونیست های ایران تحت سر پرستی حیدر خان عمو اوغلی کمونیست و انقلابی مشهور جلسه ای تشکیل دادند و بعد از تبادل افکار برای رفتن بمسکو به نزد رفیق لنین و به کومینترن مرا و رفیق دیگری را بنام عوض اوف (از اهالی دهکده بفتشه دره واقع در حومه اردبیل) انتخاب نمودند . یکی از مسائل مهمی که در آن ایام در برابر انقلابیون ایران قرار داشت ، توسعه فعالیت کمیته مرکزی ایران بود . کمیته مرکزی در تاریخ ۲۲ ژوئن سال ۱۹۲۰ در نخستین کنگره حزب انتخاب شده بود ، حزب کمونیست ایران تا کنگره اول بنام « حزب عدالت » شهرت داشت و سپس در کنگره اول متعقد در انزلی (بندر پهلوی فعلی) نام حزب کمونیست بخود گرفت . بر گزارى این کنگره گرچه برای کمونیست های ایران موفقیت بزرگی محسوب میشد ولی از برخی کمبودها هم خالی نبود که نتیجه بی تجربگی و ناپختگی تشکیل دهندگان آن بود ، در آن زمان تحلیل صحیح این گونه مسائل برای کمونیست های ایران کار آسانی نبود . بنا بر این مقتضی بود که در این خصوص از رفیق

ایران که در نتیجه بی تجربگی و فقدان سازماندهندگان آن کنگره روی داده بود اظهار عقیده و انتقاداتی کردم و بعضی فاکتها را بیان آوردم . مثلاً نام حیدر عمو اوغلی که از قدیمیترین و صادقترین انقلابیون آن دوره ایران بود و همچنین نام برخی از رفقای مشهور دیگر ایران را در فهرست نامزد های عضویت کمیته مرکزی داخل نکرده بودند ولی نام يك سلسله رفقای را در فهرست

استالین نشست ، کمی دورتر از میز در کنار دیوار رفیق چیچرین وزیر امور خارجه وقت نشست . رنگ و روی چیچرین پریده بود و معلوم بود که او نیز مثل رفیق لنین بیمار است . وی گرچه در ردیف ما نشسته بود ولی به گفته گوها و اطلاعاتی که میدادیم با دقت گوش میداد .

در این وقت رفیق ارژنیکیزه داخل شده و در پشت سر لنین به لب پنجره ای که



لنین در هیئت رئیسه کنگره انترناسیونال

بطرف حیاط گشاده میشد تکیه کرد و ایستاد . ما در حضور رفیق لنین خود را بسیار آزاد احساس میکردیم و راز دل خود را کاملاً بی پرده و آزادانه بیان نمودیم . وقتی که يك نفر از نمایندگان داغستان از عملیات رفیق ارژنیکیزه هنگام کارش در داغستان انتقاد کرد ، رفیق ارژنیکیزه در صدد پاسخ برآمد ، لیکن رفیق لنین سر را بجانب وی گرداند و او را بسکوت دعوت کرد ، ارژنیکیزه خاموش ماند . بدین طریق لنین کبیر امکان کامل داد که نماینده مذکور سخنان تنقید آمیز خود را کاملاً آزادانه بیان دارد و تمام کند . من در این مجلس سخنان دوم بودم . بعد از سخن نماینده یکی از خلقهای آسیای میانه بمن اجازه صحبت دادند . من درباره بعضی نقایص مربوط به تشکیل و فهرست کاندید های انتخابات کنگره اول کمونیست های

نامزد های کمیته مرکزی داخل کرده بودند که هنوز از يك مرحله امتحان جدی گذشته و در هیچ يك از جنبش های انقلابی شرکت نجسته و در هیچیک از عملیات جدی انقلابی صداقت خویش را نشان نداده بودند . رفیق لنین بحرفهای ما با دقت گوش میداد لیکن از قرار معلوم طبق تأکید دستور دکتر ها وی پاسخ دادن به سخنان ما را به استالین واگذار کرده بود . همه ما از اینکه رفیق لنین را بچشم خود دیده و درد دل خود مان را آشکارا و بی پرده برای او بیان کرده بودیم و از اینکه رفیق لنین با وجود بیماریش ما را بحضور پذیرفته بود بسی خرسند و خوشوقت بودیم .

از قرار معلوم رفیق لنین فقط به بیاناتی که در جلسه در جواب ما گفته شده بود دنباله در صفحه ۵

مارکسیسم هرگز به اشکالی از مبارزه که در يك دوره معین ممکن و موجود است اکتفا نمیکنند، بلکه با تغییر اوضاع و احوال اجتماعی - ناگزیری پیدایش اشکال تازه ای از مبارزه را که رهبران آن دوره از آن بیخبرند - برسمیت میشناسند.

(لنین، جلد ۱۱، ص ۱۸۶)

لنین در باره

مبارزه بر ضد ایدئولوژی خرده بورژوائی

آن تا زمانیکه اقتصاد خرده و تولید خرده کالایی، بکلی از بین نرفته است، وضع خرده بورژوائی، عادات ناشی از مالکیت و سنتهای خرده بورژوائی به کار پرولتری هم در خارج و هم در داخل جنبش کارگری زبان میرساند. (کلیات آثار بروس - جلد ۴۱ ص ۱۰۳)

گذار قشرهای غیر پرولتری زحمتکشان به مواضع طبقه کارگر و سوسیالیسم بوسیله خود منطق مبارزه طبقاتی و در جریان حوادث تاریخی انجام میگردد. و همین است که دائماً توهامات خرده بورژوائی را در هم میشکند و صحت سیاست سوسیالیستی و درستی نتیجه گیریهای مارکسیستی - لنینیستی را تأیید میکند. ولی توهامات خرده بورژوائی در موقعت تاریخی جدید و در ارتباط با اوضاع و احوال تازه و بمناسبتهای گوناگون تجدید میشود. لنین مینویسد: «سخت جانی این پیشداوریهای دموکراتهای خرده بورژوا بطور اجتناب ناپذیری با دوری آنها از مبارزه شدید طبقاتی مربوط است.» (جلد ۳۷ - ص ۹۲)

تکامل سرمایه داری به مرحله امپریالیستی آن بطور اجتناب ناپذیری به از بین رفتن قشرهای «قدیمی» تولید کنندگان کوچک (دهقانان و پیشه وران) و ایجاد و توسعه قشرهای جدید منجر میشود. پروسه انقلاب علمی و فنی، رشد کارمندان دفتری، شرکتها و بانکهای سرمایه داری، توسعه کارمندان فنی و روشنفکران - همه اینها منجر به ایجاد گروههای اجتماعی متعددی میشود که در شرایط سرمایه داری ما قبل انحصاری دارای وزن بسیار کمی بودند. خصوصیت این گروهها اینست که نمایندگان آنها موقعیت بینایی اشغال میکنند و موقتاً بین طبقه کارگر و بورژوازی بزرگ در نوسان اند. «قشر فوقانی» این گروهها از امتیازات معینی برخوردارند که آنها را برتر از وضع کارگران ساده قرار میدهد. از جانب دیگر نا ایمنی وضع اجتماعی و مادی آنها، فشار قدرت بورژوازی و دستگاہ قدر قدرت بوروکراتیک انحصارها انگیزه ای برای اکثریت آنهاست که مبارزه بر ضد امپریالیسم بر خیزند. این عوامل موجب نزدیکی آنها به طبقه کارگر و سایر نیروهای ضد امپریالیستی میگردد.

پروسه تلاشی سیستم مستعمراتی بورژوازی دهقانان و توده های زحمتکش این کشورها در زندگی فعال سیاسی منجر شده است. در گذشته آنها از سیاست بر کنار بودند و تحت فشار امپریالیسم، که با اعمال زور و بنام تسلط

مقاله ای که ترجمه و تلخیص آن در زیر به نظر خوانندگان گرامی «مردم» میرسد در شماره ۲۱ فوریه ۱۹۷۰ روزنامه «پراودا» ارکان حزب کمونیست اتحاد شوروی بچاپ رسیده است. از آنجا که در میان ما و جنبش ما نیز ایدئولوژی خرده بورژوائی و تظاهرات اپورتونیستی راست و چپ، آن فعالیت دارد و همچنین بمناسبت صدمین سالروز تولد لنین، مقاله این مقاله برای خوانندگان گرامی «مردم» سودمند شمرده شد.

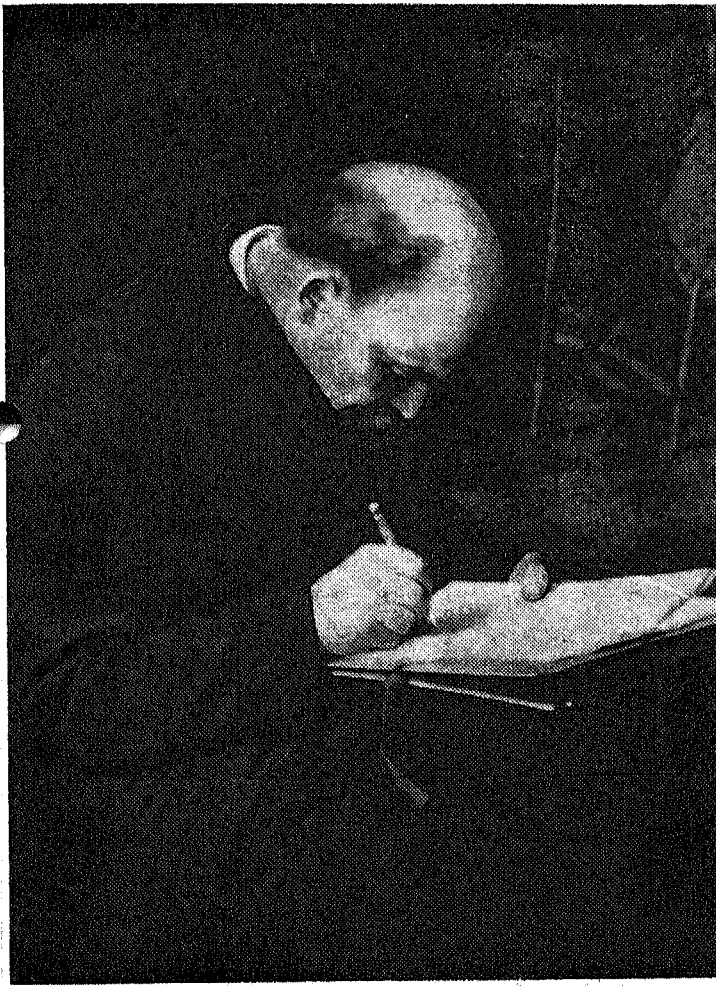
«مردم»

سوسیالیسم، که در يك سوم جهان پیروز شده است، در نبرد جهانی برای جلب عقول و قلوب مردم هر روز موفقیتهای جدیدی بدست میآورد. هر روز قشرهای وسیعتری از توده های زحمتکش بدور طبقه کارگر انقلابی، بدور احزاب مارکسیستی - لنینیستی او گرد میآیند. زیرا امروز فقط سوسیالیسم قادر است که معضلات اساسی بشریت را حل کند، استثمار انسان از انسان و ستم ملی را از بین ببرد، تکامل فارغ از بحران اقتصاد را بسود مردم تأمین کند، حقوق سیاسی و اجتماعی زحمتکشان را تضمین نماید و شرایط لازم را برای تحقق دموکراسی واقعی، برای شرکت توده های وسیع زحمتکش در رهبری جامعه، برای تکامل همه جانبه شخصیت انسان، برای تساوی ملتها و دوستی بین خلق ها بوجود آورد.

طبقه کارگر و احزاب مارکسیستی - لنینیستی او مبارزان بیگمبر منافع همه مردم زحمتکش اند. همکاری روز افزون دهقانان، قشرهای متوسط شهری و روشنفکران با طبقه کارگر در مبارزه بر ضد امپریالیسم و بخاطر دموکراسی و سوسیالیسم مبین این واقعیت است.

لنین طبقه کارگر و کمونیست ها را دعوت میکرد که در مبارزه بر ضد نیروهای ارتجاع پیوسته به قشرهای غیر پرولتری شهر و ده و قبل از همه دهقانان زحمتکش تکیه کنند. و درست همان اتحاد محکم طبقه کارگر و دهقانان و قابلیت حزب بشوکیها در جلب توده های روشنفکر زحمتکش بود که پیروزی انقلاب سوسیالیستی، دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان موقعت آئین سوسیالیسم را در کشور ما تأمین کرد.

در همانحال لنین خطر نفوذ خرده بورژوائی را در جنبش کارگری خاطر نشان میساخت و میگفت که هرگونه کم بها دادن به این خطر میتواند راه را برای نفوذ يك ایدئولوژی دشمن مارکسیسم - لنینیسم در جنبش کمونیستی باز کند. لنین مینویسد: «مادام که بورژوازی ساقط نشده و پس از



لنین در یکی از جلسات کمیته ترن

مشتی استعمارگر بیحقی کامل سیاسی را به مردم تحمیل میکرد، قرار داشتند. در مبارزه بر ضد امپریالیسم خلقهای کشورهای رشد یافته در وجود نیروهای سوسیالیسم و جنبش کارگری متحد طبیعی خود را میبندند. برخی از این کشورها در راه تکامل غیر سرمایه داری گام گذاشته اند. در همانحال سیاست نو استعماری امپریالیسم، فقدان طبقه کارگر رشد یافته و شیوع پیسوادی بناچار درجریانات ایدئولوژیک این کشورها، که راه تکامل مستقل را در پیش گرفته اند، منعکس میگردد.

در کشورهای سوسیالیستی نیز در دوران اولیه قشرهای خرده بورژوازی هنوز وجود دارند که نمیتوانند بلافاصله پس از انقلاب سوسیالیستی اصول مارکسیسم - لنینیسم را بطور ارگانیک بیازیند و مانند طبقه کارگر موضع بگیرند. پروسه تجدید تربیت و تجدید جهت یابی آنها دورانی طولانی بطول میانجامد. این قشرها بتدریج ساختمان جامعه نوین جلب خواهند شد ولی تا مدت نسبتاً طولانی عادات و عقاید خود را، که گاهی ظاهراً «ناگهان» بروز میکنند، حفظ میکنند.

گرایشهای خرده بورژوائی بر حسب شرایط مشخص تاریخی دارای بیان ایدئولوژیک گوناگونی است. ولی ماهیت ارتجاعی ایدئولوژی خرده بورژوائی بطور احتراز ناپذیری در این واقعیت منعکس میگردد که این ایدئولوژی میکوشد خود را در مقابل ایدئولوژی سوسیالیستی و پرولتاریائی قرار دهد. و در همین جاست که در تضاد با منافع اساسی واقعی توده های زحمتکش قرار میگردد. این جریان آشکارا در تجدید نظر در

چگونگی شکل اعمال جبر را درجه تکامل طبقه انقلابی و سپس اوضاع و احوال خاص نظیر مثلاً ارثیه جنگ طولانی

و ارتجاعی و آنگاه اشکال مقاومت بورژوازی و خرده بورژوازی معین میکنند .

(لنین ، جلد ۲۷ ، ص ۲۳۸)

دنباله از صفحه ۲

آینده ای که لنین میدید

هموار نیست و تنها از طریق مبارزه سرسخت و جسورانه میتوان آنرا تا پایان ظفر بخش طی کرد . باید ، چنانکه لنین گفت ، در پیچ و خم راه و زیگرگت تاریخ گمراه و مایوس نشد ، دورنما را از دست نهد . باید ، چنانکه لنین گفت ، « در امر فوق العاده دشوار توانست چندین بار از نو شروع کرد ؛ شروع کرد ؛ شروع کردی ؛ در بن بست افتادی ، دوباره شروع کن و بهمین ترتیب ده بار کارت را تغییر بده ، ولی سرانجام به مراد خویش دست یاب ! »

۴ - خوش بینی انقلابی

پیش بینی علمی لنین از آینده بشر را از گیرنده احساس خوش بینی و نشاط انقلابی است . امپریالیسم ، با آنکه گدماکان نیرومند است ، ولی در زیر بار جنایات رنگارنگ خود که کمترینش برآه انداختن جنگهای خونین و غارت بیدریغ جهان است خورد و مدفون خواهد شد ، سوسیالیسم ، با آنکه نظامی است نوین و هنوز باید برای غلبه نهائی اقتصادی خود راه معینی را در سنگلاخ زمان طی کند . با تمام فضایل معنوی و انسانی خود بیش از پیش خواهد درخشید و همه گوشه های تاریخ جهان ما را روشن خواهد ساخت . بجای یأس و لند لند ، باید برای مبارزه بازو گشاد و در روزهای دشوار در سنگر اعتقاد انقلابی خود سرسخت ایستاد . برای میهن ما نیز شب ابدی نیست . تاجداران کاخ نشین ، غارتگران خلق ، چاکران امپریالیسم مسلماً

کارگری و کمونیستی جدا کنند . آنها بدین منظور هم از جمله پردازی « ماوراء چپ » و هم از اپورتونیستهای راست استفاده میکنند . کمونیستها موظفند تمام نیروی خود را بکار برند تا این توده ها تسلیم این پیشداوریه ها ، که از طرف نیرو های ضد کمونیستی فعالانه تبلیغ میشود ، نگردند .

تجربه تاریخی آشکارا نشان میدهد که اگر قشر های خرده بورژوازی غیر پرولتری بطور عینی یا سیاست ضد سوسیالیستی بورژوازی درآمیزند ، بعنوان نیروی مغرب و دشمن ترقی اجتماعی عمل میکنند . برعکس اتحاد با جنبش کارگری و کمونیستی در مبارزه ، به قشر های غیر پرولتر امکان میدهد که بهدفعای مثبت خود برسد و به آزادی از یوغ امپریالیسم و استثمار دست یابد . تحقق منافع واقعی قشر های زحمتکش غیر پرولتر فقط با مبارزه در راه دموکراسی حقیقی ، ترقی اجتماعی ، آزادی و سوسیالیسم و در پیوند نزدیک با طبقه کارگر و تحت رهبری احزاب مارکسیستی - لنینیستی ممکن است .

لیستی آمادگی نشان میدهد . و این مواضع با تئوریهای شماتیک غیر طبقاتی ، با کوشش برای پوشاندن تضاد اصلی دوران ما و پیش کشیدن عوامل منطقه ای ، ملی و نژادی توجیه میشود .

ناسیونالیسم در مبارزه ایدئولوژیک های بورژوا و خرده بورژوا بر ضد اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری وسیله اصلی شده است . در نتیجه نفوذ روز افزون اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی در جهان ایدئولوژیک های خرده بورژوا معمولاً میکوشند که عدول خود را از اصول مارکسیسم - لنینیسم پنهان کنند ، بدین ترتیب که وانمود میسازند که آنها برای تکامل مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن با شرایط و مقتضیات کنونی میکوشند . ولی در واقع آنها تلاش میکنند که مارکسیسم - لنینیسم را با خود خواهی ملی خود « منطبق » سازند ، خود خواهی ملی به ایجاد آئین ها و نظریاتی منجر میشود که هدفش توجیه اعمالی است که با اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی میسازد و سیاست بازی غیر اصولی را جانشین سیاست دیگرمبتنی بر پایه طبقاتی میسازد . در دوران ما پیوند بین ایدئولوژی امپریالیستی و ایدئولوژی خرده بورژوازی و اشکال ارتجاعی و ضد سوسیالیستی پروران بیش از پیش آشکار میشود . تلاش خرده بورژوازی برای یافتن « وسیله نجات بخشی برای حل همه مسائل » بشریت ، که از وضع متضاد اجتماعی وی سرچشمه میگردد ، با تلاش ایدئولوژیهای امپریالیستی برای یافتن وسیله نجات امپریالیسم ، که از نظر تاریخی دورانش پایان رسیده ، یکی است .

فاشیسم که تلاش سرمایه داری انحصاری برای نجات خود بوسیله دیکتاتوری تروریستی آشکار و سیاست ماجراجوانه بود ، در عین حال برچسب ایدئولوژی خرده بورژوازی داشت .

موفقیت مبارزه برای ترقی اجتماعی بمقیاس زیاد وابسته به آنست که توده های زحمتکش غیر پرولتر در کشورهای سرمایه داری از چه کسی پیروی کنند . کمونیستها موظفند تمام نیروی خود را بکار برند تا این توده ها از منافع خود پیروی کنند و از نظر سیاسی با جنبش کارگری و کمونیستی متحد گردند . نیرو های ضد کمونیستی مدرن میکوشند توده های غیر پرولتر را از جنبش

تعبیر شماره حساب بانکی بیک ایران؛ ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مسائل بین المللی بشرح زیر تعبیر یافته است .

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

مارکسیسم - لنینیسم از راست و از « چپ » نمایان میگردد . در ظاهر مواضع رویزیو - نیستهای راست و « چپ » باهم آشتی ناپذیرند . ولی از آنجا که پایه ایدئولوژیک اپورتونیسم راست و ماجراجوئی « چپ » یکی است - این پایه عبارتست از نوسان و ناپذیری آن قشر های اجتماعی که با تصورات خرده بورژوازی آلوده شده اند - این انواع رویزیو - نیسم گرایشهایی را در بر میگیرند که باهم پیوند دارند . هر گونه تلاشی برای از بین بردن پیوند بین نظریات رویزیونیستی راست و اپورتونیسم « چپ » بیهوده است . لنین پیوند بین هر دو شکل اپورتونیسم را عمیقاً افشاء میکند ، هر گاه نشان داده است که این دو از یکدیگر تغذیه میکنند ، که آنها بیک اندازه با مارکسیسم و اصول جنبش کمونیستی یکگانه اند .

افکار رویزیونیستی ، که از ته مانده ناسیونالیسم برمیخیزند ، بر اساس نقش سیاسی و اجتماعی خود بطور عینی در چارچوب تلاش های ارتجاع امپریالیستی ، که هدفش تفرقه اندازی بین نیرو های ضد امپریالیستی و ضربه زدن به نیرو های اصلی سوسیالیسم و قبل از همه اتحاد شوروی است ، عمل میکنند . حملات رویزیونیستهای خرده بورژوا علیه اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی برای بورژوازی تأثیر کمتری از حملات رو در رو و آشکار ایدئولوژیهای امپریالیستی ندارد . علاوه بر این ایدئولوژی بورژوازی امپریا - لیستی طی زمانی میتواند بشکلی از اشکال و کم و بیش به پشتیبانی توده ای امید داشته باشد که خود را با ایدئولوژی خرده بورژوازی پیوند دهد . در همین سیاست خطر سیاسی تلاشهای خرده بورژوازی ، که پدیده های بین المللی را جدا از مبارزه دو سیستم متضاد سیاسی و ارتجاعی مورد بررسی قرار میدهد . ایدئولوژی خرده بورژوازی میتواند وسیله تحقق سیاست ضد کمونیستی قرار گیرد . عناصر خرده بورژوا در این آرزو که « آزاد » باشند و در وراه طبقات و احزاب قرار گیرند ، پیوند های خود را میبرند و فعالیت نیرو های امپریالیستی را تسهیل میکنند . کمونیستهای واقعی از موضع آشکار طبقاتی بمقابله با اقدامات تجاوز کارانه نیرو های امپریالیستی و میلیتاریستی برمیخیزند ، حملات آنها را بطور شایسته دفع میکنند و فعالانه برای تخفیف وخامت اوضاع ، پیشرفت در زمینه مناسبات بین المللی ، تأمین صلح و امنیت خلقها مبارزه میکنند . رویزیونیسم خرده بورژوازی به این سیاست نپیوندد . او با دچار روحیه افراطی جنگ طلبانه میشود و میکوشد که خلقها را به یک جنگ هسته ای بکشاند و یا برای بسازش و موافقت های غیر اصولی مخفی و آشکار با نیرو های امپریا -

نابود خواهند شد . مردم زحمتکش میهن ما مسلماً رشته سرنوشت خود را بدست خواهند گرفت . ایران مسلماً بسوی سوسیالیسم خواهد رفت و به جنبش عمومی تکامل عصر ما خواهد پیوست . کسانیکه به پیش بینی لنین در باره سیر تاریخ ایمان دارند ، باین نتیجه گیریها نیز ایمان دارند . ا . سپهر

دنباله از صفحه ۳

دیدار من با لنین

ا کتفا نوززیده و برای تحقق فکر خود درباره خواسته های ما رهنمود مخصوصی داده بود که ما آن را بعضی بازگشت به باکو دیده و احساس کردیم . کمونیستهای صدیق ایرانی با کمک کمترین و باتکا رهنمود های رفیقانه لنین توانستند رهبری حزب وضع نوی پدید آورند . حیدر خان عمو اغلی مقام شایسته خود را در کمیته مرکزی اشغال کرد .

بعد از این تاریخ اعضای حزب کمونیست ما که از یاری و راهنمایی لنین کبیر داکرم شده بودند ، تحت رهبری حیدر خان عمو اغلی دبیر مسئول نوین حزب در اجرای مواد برنامه حداقل حزب با کمال جدیت کوشیده و با وحدت تمام کار میکردند و از هیچ دشواری باک و هراسی نداشته و برای ترویج و تحقیق افکار عالی لنین در شرق و تربیت مبارزان صادق راه آزادی زحمتکششان از اسارت امپریالیستها و چاکرانشان در وطن ما هر گونه سختی را متحمل میشدند . بطوریکه عده ای از فعالین جدی از قبیل رهبر حزب حیدر خان عمو اغلی ، اعضای کمیته ایالتی گیلان ، نصر اله شیخ اوف ، میرباقر زنجانی ، ارباب زاده تبریزی و عده دیگر از پیروان رشید و صادق حیدر طی نبرد های نسا برابر با دشمنان جان خود را فدای خلق زحمتکش ایران نمودند . گرچه آنان با اجرای کامل مواد برنامه حزب موفق نشدند ولی در عین حال کادر هائی پرورش دادند و تقیم افکار عالی لنین را در شرق نزدیک کاشتند که بی شبهه زحمتکششان از میوه های شیرین آن بهره مند شده و خواهند شد .

آری لنین کبیر در زمان حیات خود با افکار حکیمانه و انقلابی خویش روسیه را از زنجیر ستم سرمایه داران نجات داد و برای رهایی دیگر ملل زحمتکش جهان از یوغ سرمایه راه صحیحی را نشان داده و آن راه را با یرتوهای مارکسیسم - لنینیسم روشن نمود ، بهرام سیروس

توجه

بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین منتخبات لنین بزبان فارسی در چهار جلد تجدید چاپ خواهد شد . جلد اول بزودی انتشار خواهد یافت .

کشورهای عقب مانده بکمک پرولتاریای کشورهای پیشرو میتوانند بدون طی مرحله رشد سرمایه داری به نظام شوروی

و پس از طی مراحل معین رشد به کمونیسم برسند . (لنین ، جلد ۴۱ ، ص ۲۴۶)

دنباله از صفحه ۱

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

داخلی و خارجی و جور و ستم حکام و عمال آنان خاتمه دادند. دانش ژرف و نبوغ فکری لنین، بینش وسیع و همه جانبه وی توأم با عمل پرکیر انقلابی و رهبری دایمانه اش نقش قاطعی در موقعیت نخستین انقلاب سوسیالیستی و پیدایش اولین دولت سوسیالیستی جهان ایفا نموده است.

از آن پس تحول بنیادی عظیمی در جامعه فرتوت انسانی رویداد و دوران جدیدی در تاریخ بشریت آغاز گردید که مضمون اساسی آن گذار از رژیم سرمایه داری به سوسیالیسم است.

لنین دانشمند برجسته و انقلابی بی همتا نه تنها میراث عظیم مارکس و انگلس، بنیاد گذاران سوسیالیسم علمی را از دستبرد انقلابی نمایان چپ و راست حفظ نمود بلکه در ارتباط با واقعیت و عمل انقلابی زمان خود و تغییراتی که پس از مرگ مارکس و انگلس در اوضاع جهان رویداده بود با کشفیات علمی و سیاسی و تعالیم دایمانه خود گنجینه گرانهای سوسیالیسم علمی را بنحو شایانی غنی تر ساخت. در این مورد سهم لنین چنان ارزنده و درخشان است که نام او با نام بنیاد گذاران داهی سوسیالیسم علمی توأم گردید و پس از مرگش تئوری انقلابی طبقه کارگر مارکسیسم-لنینیسم خوانده شد.

لنین در پرتو مارکسیسم اوضاع اجتماعی و تاریخی گوناگون را مورد بررسی قرار داد و بر پایه تغییراتی که بوقوع پیوسته بود احکام نوئی انتزاع نمود و تئوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را همه جانبه بسط داد. لنین بر اساس شرایط مبارزه طبقاتی استراتژی و اصول متناسب تا کنون جنبش انقلابی طبقه کارگر را روشن ساخت، برنامه عمل آن و شرایطی را که ستاد جنبش، یعنی حزب طراز نوین طبقه کارگر، ضرورتاً باید برای پیروزی در نبرد خود علیه امپریالیسم و ارتجاع دارا باشد تعیین نمود.

تعالیم لنین نه تنها کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و ده روسیه را قدم بقدم برای عمل انقلابی آماده ساخت و نخستین انقلاب پرولتری جهان را سازمان داد و به پیروزی رساند، بلکه همچون چراغ تابناکی راهنمای مبارزات انقلابی طبقه کارگر بین المللی برای رهائی از قید استعمار گردید. لنین انترناسیونالیست یکگیر، مجاهد راه تساوی حقوق ملل و صلح و دوستی میان ملت‌هاست. لنین دوست همه ملل ستمکش و کسی است که راه مبارزه پیروزمندانه علیه استعمار، راه آزادی خلقها و نبل به استقلال ملی و حق تعیین آزادانه سرنوشت را بآنها نشان داد.

حق شناسی مردم ایران از لنین

بمناسبت جشن صدمین سال تولد لنین بزرگ لازم میدانم قسمتی از مشاهدات خود را در مورد قدر دانی و حقیقت شناسی و علاقه مردم ایران به لنین در نیم قرن پیش، برای اطلاع خوانندگان عزیز ماهنامه مردم یادآور شوم.

در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۲۹۶ دموکراتهای آذربایجان که تشکیلات آنها از ۵ سال پیش مخفی بود و تحت تأثیر انقلاب اکتبر علنی گردید و تا تشکیل کنگره وسیع باز کمیته سری آنرا رهبری میکرد تلگراف مفصل تشکر و تبریک بامضای شیخ محمد خیابانی به لنین بزرگ مخابره کردند و جواب محبت آمیزی رسید که متن هر دو تلگراف در فوق - العاده روزنامه تجدد چاپ و منتشر گردید چون متن آن دو تلگراف کاملاً در خاطر من مانده است برای اینکه مبادا تحریفی رخ بدهد، مناسفانه نمیتوانم از متن آنها سخنی بگویم.

* * *

در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۲۹۶ در مسجد جامع تبریز تمام طبقات مردم اجتماع کردند، بطوریکه مسجد بآن بزرگی و حیاط وسیع آن و اطراف پر از جمعیت بود. تعداد جمعیت را ده هزار نفر می‌گفتند. اولین ناطق حاج میرزا علی اکبر معروف به مجاهد بود، از بیانات او آنچه بخاطر من است چنین است. او گفت: لنین دوست مظلومین و دشمن ظالمین است. او تاج و تخت امپراطورها در روسیه سرنگون کرد، هم روسیه را هم سایرین را و بیش از همه ما را که در دست او اسیر مانده و چیزی باضمحلال ما باقی نمانده بود خلاص نمود. او بزرگترین و بهترین دوست و حامی ما است. ما حالا خرسند و شکر گذاریم و روح شهدای ما شاد است زنده و فیروز باد لنین.

* * *

در دوره چهارم مجلس شورای ملی روزیکه قرار داد ۱۹۲۱ ایران و شوروی مطرح و تصویب شد، باغ بهارستان و میدان جلو مجلس و اطراف پر از جمعیت بود. این روز روز با اهمیتی بود. نطق مفصل سلیمان محسن اسکندری را که از طرف فراکسیون پارلمانی حزب اجتماعون عامیون سخن میگفت و یکی از نطقهای بسیار پر هیجان و مهم او در چند دوره مجلس است باید بخاطر آورد. او از لنین بسیار تعجیل کرد و در آخر نطق خود گفت: اگر انقلاب کبیر و لنین نبود امروز این مجلس و من و شما وجود نداشتیم و در اینجا نشستیم بودیم تا سخنی بگوئیم.

* * *

پس از آنکه بانک استقراضی روس به ایران واگذار شد و از طرف دولت مرتضی خان ممتازالملک و علی رضا خان بهاء الملک بعنوان امنای دولت معین شدند چند تن از روز - نگاران با ممتاز الملک مصاحبه کردند آنچه که در روزنامه ستاره ایران خواندم و آنقدریکه در خاطر من مانده این است، ممتاز الملک گفته بود: مراجعه بدفاتر و اسناد بانک حتی بطور اجمال نشان میدهد که ما در چه بلائی گرفتار بوده ایم و دولت تزار با دسائس دولت انگلیس ما را از لحاظ اقتصادی به چه مضربه ای دچار کرده بوده است دیگر رمقی باقی نمانده بود که لنین بداد ما رسید. این سخاوت و بخشش لنین بسیار پر ارزش است و رها شدن ما از این بلا و خلاصی از زیر بار این قروض کمر شکن و جان بدر بردن فقط با دلسوزی و همت لنین میسر شده است.

از نامه رفیق کهستال ما زین العابدین قیاسی

«... حکومت شوروی که تمام وظائف خود را در زمینه همبستگی بین المللی با مبارزه کارگران تمام کشورها علیه تسلط سرمایه و در راه سوسیالیسم با ثبات قدم انجام داده است در آینده نیز با تمام نیروئی که در اختیار دارد برای کمک به جنبش جهانی سوسیالیستی و تأمین و تسریع موفقیت راهی که جامعه بشری را از یوغ سرمایه و از بردگی مزدوری نجات میدهد و موجبات ایجاد جامعه سوسیالیستی و صلح پایدار و عادلانه را میان ملل فراهم میسازد، مجاهدت خواهد ورزید.

(لنین، جلد ۲۷، صفحه ۱۷۴)

سرودی در ستایش لنین

بیاشفت دنیا و خون همچو سیل
برون رفت از اندازه حد و کیل
ز هر کشوری بی ثمر کشته شد
بهر جبهه ای کشته ها پشته شد
فراخواند قحط و غلابوم جنگ
جز این نیست آورده شوم جنگ
جهانی همه چشم در انتظار
که چون صلحی از نوشود برقرار؟
در این گبرودار آنچنان مرد گو؟
که او افکند بانگ بر چارسو؟
همی بر درد پرده از روی جنگ
جهان باز گرداند از سوی جنگ
چنین مرد پرورده بودش زمان
که پاسخ دهد بر امید جهان
چو خورشید بر توفشان بر زمین
لنین بود داهی عصر آفرین
که زد دست بر خربه انقلاب
وز «اکتبر» افروخت چون آفتاب
یکی جاودان نور گیتی فروز

که روشن کند بر سیه روز روز
ره نهضت مردمان باز شد
سوی عصر نو رفتن آغاز شد
سر مایه فتنه سرمایه بود
که از جنگ و خونش همی بایه بود
کشید او بخاک و بخون یک جهان
که از خوان یغما برد بهره خان
لنین راه وارستگی باز کرد
سخن را همی رو سرباز کرد
ز هر سوی هر کس که میبخت سر
همه برزگر بود یا کارگر
لنین دست سرباز فرسوده را
سه و اند سالی نیاسوده را
گرفت و بدامان مردم کشاند
ز قربانی سود خواران رهاند
یکی جبهه آراست از مردمان

که در راه مردم فشانند جان
نه تنها خود از جنگ برداشت دست
کمر را ز جنگ جهانی شکست

جهان وجودی چنین را بیال
مهین سالگرد لنین را بیال
چنین کس نه پیدا شود هر زمان
چنو را بخاطر ندارد جهان
نه همتاش چشم زمان دیده است
نه چون کار او کار بشنیده است
ز میلاد وی قرنی از سر گذشت
رخ ز رنگ گیتی دگر گونه گشت
زید تا جهان هست نام لنین
بر او و به حزبش هزار آفرین
علی امیرخیزی

ما تأثیر عمده خود را در انقلاب جهانی به نیروی سیاست اقتصادی خویش اعمال میکنیم . . . مبارزه در مقیاس جهانی

(لنین ، جلد ۳۲ ، ص ۴۱۳)

باین عرصه منتقل شده است .

دنباله از صفحه ۶

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

نظر به همین جهات است که اکنون در سرتاسر جهان خلقها و توده های زحمتکش خویشان را برای بزرگداشت میلاد فرخنده لنین ، این نامی ترین مرد جهان معاصر ، این انقلابی داهی ، این دوست صدیق توده های زحمتکش ، این دانشمند بزرگی که سراسر زندگی پر افتخار و دانش و بینش سرشار خود را وقف خدمت طبقه کارگر و رهنائی کلیه توده ها و خلقهای جهان نموده است ، از دل و جان آماده میکنند .

لنین - دوست بزرگ مردم ایران

این دوست صدیق مردم ایران ، پشتیبان واقعی و پیگیر استقلال و آزادی کشور ما و جنبش رهنائی بخش آنست . کمتر کشوری در جهان تا این درجه استقلال و تمامیت ارضی خود را مروهون زحمات واقدا - مات انقلابی لنین و پیروزی انقلاب کبیر

اکتبر است .
علاقه صادقانه و دوستی واقعی و بی شائبه لنین نسبت بمردم و نهضت رهنائی بخش مین ما که در اسناد تاریخی متعددی ، چه مربوط به دوران پیش از انقلاب سوسیالیستی اکتبر و چه پس از آن ، انعکاس یافته گویا ترین شاهد این ادعاست .

هنگامیکه مجاهدین غیور انقلاب مشروطیت بسرکردگی ستار خان گرد آزادی و سردار ملی بقیام دلاورانته تبریز دست زده بودند و محمد علیشاه قاجار بسیاری دولت استعمار تزاری بسرکوب انقلاب ملی همت گماشته بود لنین به پشتیبانی از نهضت آزادی

خواهی ایران برخاست و در مقالاتی که بوسیله روزنامه پروتاری در سال ۱۹۰۸ (۱۲۸۷) منتشر گردیده مداخله دولت ضدانقلابی تزاری را بمنظور سرکوب انقلاب ایران بشدت محکوم نمود و همدمستی ضمنی دولتهای استعماری انگلستان و فرانسه را در این توطئه افشاء ساخت . لنین در این نوشته ها با احترام

عمیق جنبش انقلابی مردم ایران را که در برابر نیرو های شاه و حتی با کمک لیاخوفهای روسی و دیپلماتهای انگلیسی چنین موفقیت آمیز پایداری میکند ، ستود و آنرا دلیل مسلمی بر غلبه نهائی انقلاب تلقی نمود .

در سال ۱۹۱۲ ، هنگام انعقاد کنفرانس سرتاسری حزب سوسیال دمو کرات کارگری روسیه در پراگ یکبار دیگر لنین به پشتیبانی از جنبش انقلابی مردم ایران برخاست و در قطعنامه ای که تحت عنوان « هجوم حکومت روسیه بایران » تصویب کنفرانس رساند همدردی کارگران و زحمتکشان روسیه را نسبت بخلق ایران و انقلابیون غیور آن اعلام نمود و نفرت بی پایان و انزجار شدید حزب طبقه کارگر روسیه را نسبت باعمال غارتگرانه و وحشیانه حکومت استبدادی تزاری ایران

داشت .

بلافاصله پس از پایان پیروزمندانه انقلاب اکتبر لنین ضمن پیامی که در سوم دسامبر سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) بنام دولت شوروی خطاب بمسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین فرستاده بود اعلام داشت : « معاهده تقسیم ایران را پاره شده و باطل اعلام میداریم » و در یادداشتی که در ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ بکار دار ایران در بطور و گراد تسلیم شد یکبار دیگر رسماً اعلام گردید که « شورای کمیسر های خلق معاهده ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه را مغایر با آزادی و استقلال مردم ایران میدانند و آنرا برای همیشه فسخ شده اعلام میدارد . شورای کمیسر های خلق به همین طریق کلیه قرار داد های منعقد شده قبل و بعد از این معاهده را نیز که بشعوی از انحاء به حق آزادی و استقلال ملت ایران لطمه بزند و یا آنرا محسوس سازد کان لم یکن و فاقد هر گونه اعتبار میشمارد . در همین سنه حکومت نو بنیاد شوروی متعهد شده است تمام اقدامات لازم را برای پاک کردن خاک ایران از وجود عمال تزاری و بورژوازی امپریالیستی بکار برد و خروج نیروهای انگلیسی و ترک را از ایران تأمین نماید .

در سند رسمی دیگر بتاریخ ۲۶ ژوئن سال ۱۹۱۹ (تیر ماه ۱۲۹۸) دولت شوروی از تمام امتیاز نامه هائی که حکومت تزاری و اتباع آن در خاک ایران بدست آورده بودند و نیز از تمام امتیازات روسیه و قروض ایران بروسیه صرف نظر کرد . در همین سند دولت شوروی رژیم کاپیتولاسیون را ملغی اعلام کرد و از تمام حقوق کنسولی روسیه در ایران چشم پوشید .

هنگامیکه امپریالیسم انگلستان قرارداد استعماری ۱۹۱۹ را بایران تحمیل نمود دولت شوروی برهبری لنین کبیر اعلامیه ای خطاب بکارگران و دهقانان ایران صادر و ضمن آن اعلام نمود : « در این لحظه که فاتح ددمنش انگلیسی شادی کثان میکوشد یوغ اسارت قطعی بگردن ملت ایران بیاندازد ، دولت کارگری - دهقانی شوروی جمهوری روسیه با قطعیت اعلام میدارد که قرار داد انگلستان و ایران را که بر این اسارت صحه میگذارد برسمیت نمیشناسد . توده زحمتکشان روسیه ، زحمتکشان ایران را برادران و یاران و رفقای فردای خود در بیکار انقلابی برای رهنائی کامل کار میدانند . دولت کارگری دهقانی روسیه شوروی که مبین اراده توده زحمتکشان روسیه است قرار داد ننگین انگلستان و ایران را که حکمرانان شما بموجب آن خود و شما را به « انگلیس فروخته اند ، کاغذ پاره ای میدانند که هیچگاه برای آن اعتبار قانونی قائل نخواهد بود . » پشتیبانی قاطع لنین و حکومت جوان شوروی از مردم ایران موجب اعلای عظیم شور توده ها گردید و به گسترش جنبش آزادی بخش ملی در سراسر ایران کمک

مؤثر کرد و با اینکه امپریالیسم و ارتجاع موفق بسرکوب جنبش سالهای ۱۲۹۷ - ۱۳۰۱ گردید مع الوصف این جنبش به استظهار سیاست لنینی دولت اتحاد شوروی توانست قرار داد اسارت بار سال ۱۹۱۹ را ملغی ساخته خاک مین ما را از وجود ارتشهای ترکیه و انگلستان پاک نماید .

پیروزی انقلاب اکتبر و استقرار حکومت شوروی در مجاورت مستقیم خاک ایران نه تنها مواضع امپریالیسم را تضعیف کرد بلکه در عین حال امنیت خارجی کشور ما را تضمین نمود . اقداماتی که دولت شوروی چه در زمان حیات لنین و چه پس از وفات وی به پیروی از تعالیم عالی او در مورد ایران انجام داد بر مبنای اصولی است که لنین کبیر سیاست خارجی این دولت را بر پایه آن قرار داده است . این اصول عبارتند از احترام باستقلال ملی ، برابری حقوق ملل بزرگ و کوچک ، کمک برادرانه به پیشرفت اقتصادی و سیاسی کشورهای که در راه استقلال و حاکمیت خویش مبارزه میکنند ، کمک بی شائبه و مجدانه به جنبش آزادی بخش ملت ها علیه امپریالیسم .

بیهوده نیست که شاعران بنامی مانند ملک الشعرای بهار ، میرزاده عشقی ، لاهوتی ، عارف قزوینی ، وجد دستگردی و بسیاری دیگر بانچه گوناگون لنین ، این نایغه بزرگ تاریخ معاصر ، این تکان دهنده امپراطوری های استعمارگر ، این دوست صدیق ملت ایران را مورد تجلیل قرار داده و اشعار پر شوری در مدح او سروده اند .

سال جشن فرخنده لنین را برپا داریم !

صدمین سالروز تولد لنین علاوه بر جنبه جهانی و انقلابی آن بویژه برای ما ایرانیان دارای اهمیت ملی و میهنی است . وظیفه همه ایرانیان میهن پرست و آزادخواه ، صرف نظر از عقاید سیاسی و تعلق طبقاتی ، اینست که این جشن بزرگ را چنانکه در خور نام

ارجمند لنین است برگزار نمایند . افکار عمومی مردم زحمتکش جهان چنان نیرومند است که حتی یونسکو (سازمان فرهنگی ملل متحد) غیر سوسیالیستی و از جمله دولت ایران آمادگی خود را برای شرکت در برپا داشتن مراسم یکصدمین سالروز میلاد لنین اعلام داشته اند . ولی یادبود میلاد لنین حق بلامنازع و وظیفه مسلم توده های وسیع همه کشورهایست و اقدامات رسمی دولتی نمیتواند جانشین اقدامات توده ای در مورد انجام این وظیفه گردد . بجاست که مردم ایران ابتکار برگزاری شایسته این سالروز را بدست گیرند و نگذارند این جشن واقعی توده های زحمتکش در کشور ما عقیم ماند .

هموطنان ، میهن پرستان ! آزادخواه - هان ایران !

دنباله از صفحه ۸

سیمای انسانی لنین

توضیح دهد و برای رفقای که با نظر او موافق نبودند ، درباره آن مسئله نامه مینوشت و استدلالات تازه میکرد .

عشق به کودکان

لنین حتی در دوران بیماریش به کودکان توجه داشت و نسبت به آنان مهربان بود . شب زانو به برای کودکان ساکن خیابان گورکی در تالار کرملین کاجی آراستند و لنین خود به تالار آمد . او حتی لحظه ای از کودکان چشم برنگرفت ، بازی آنها را تماشا میکرد و از ته دل میخندید ، وقتی یکی از نزدیکانش از اینکه ممکن است سر و صدای بچه ها او را خسته کند ، نگرانی خود را بیان داشت ، لنین در پاسخ گفت : « نباید هنگام بازی مزاحم بچه ها شد » .

سال ۱۹۱۹ که دشوارترین سالها بود به پیشنهاد لنین دستور تقذیه مجانی کودکان صادر شد . لنین میگفت ، ما بزرگسالان تا آخرین ذره آرد ، آخرین جبه قند و آخرین تکه کره را به کودکان خواهیم داد ، هر چند خود گرسنه بمانیم . بهتر است که با این حادثه دشوار بزرگسالان روبرو شوند .

فروتنی صفت بر جسته لنین

لنین به چندین زبان خارجی تسلط داشت . در کنگره های کمینترن و در صحبت با نمایندگان از زبانهای فرانسه ، انگلیسی ، آلمانی استفاده میکرد . او زبان لهستانی و ایتالیایی را میخواند و زبان چکی و سوئدی را می فهمید . اما در پرسشنامه ای که از او سؤال شده بود : « چه زبانی میدانید؟ » نوشت : « انگلیسی ، آلمانی ، فرانسه بد ، ایتالیایی خیلی بد . »

هر جا که میسر است مراسم یکصدمین سالروز میلاد لنین بزرگ را برپا دارید !
بهر نحو که امکان پذیر است در این مراسم شرکت کنید و مراتب سیاسی گزارای عمیق خود را نسبت به لنین ابراز نمایید !
بهر طریقی که ممکن است شرکت توده های وسیع مردم ایران را در این جشن بزرگ جهانی تأمین نمایید !

پاینده باد نام لنین کبیر ، بنیاد گزار نخستین دولت سوسیالیستی جهان !
جاوید باد لنینیسم ، آموزش فنا ناپذیر لنین !
استوار باد دوستی خلل ناپذیر مردم ایران و شوروی !

کمیته مرکزی حزب توده ایران

سرمایه نیروی بین المللی است ، برای پیروزی بر آن اتحاد بین المللی کارگران و برادری بین المللی آنان

ضرور است . ما با خصومت ملی ، با نفاق ملی ، با عزت جوئی ملی مخالفیم . ما انترناسیونالیست هستیم .

(لنین ، جلد ۳۰ ، ص ۲۶۸)

دنباله از صفحه ۱

سیمای انسانی لنین

میدانست و به نقش رهبری کننده حزب کمونیست تکیه میکرد . لنین به پیروزی سوسیالیسم ایقان داشت ، زیرا به نیروی توده های مردم و قبل از همه به آگاهی طبقاتی و تشکیل پذیری طبقه کارگر عمیقاً باور داشت . او میگفت : « پیگیری ، پایداری ، آمادگی ، عزم و لیاقت صد بار آزمودن ، صد بار تصحیح کردن تا بهر قیمت به هدف نائل آمدن . این صفات پرولتاریای روسیه را هم طی ۱۰-۲۰ سال قبل از انقلاب اکثریت هم طی ۲ سال پس از انقلاب که بار «حرومت فراوان ، گرسنگی ، بیماری و فقر را بر دوش کشید رشد و پرورش داد . این خصائل پرولتاریا ، وثیقه پیروزی اوست .

صادق و صریح

بنا به نوشته کروپسکا یا لنین نسبت به خود سخته گیری بود و همین سخته گیری را درباره دیگران داشت . او از تمام همکاران خود حد اعلائی احساس مسئولیت ، ابتکار ، استقلال ، لیاقت ، جوانب کار را سنجیدن و اهمیت سیاسی این یا آن مسئله را درک کردن ، طلب میکرد . از آنها بر خورد جدی و علاقه به کار انتظار داشت . لنین در مناسبات خود با دیگران صادق و صریح بود . از ناپختگی ، سهل انگاری و بر خورد فورمالیستی بکار شدید و بدون ملاحظه انتقاد میکرد . از دسیسه و پاپوش دوزی بیزار بود و به کادر های حزب توصیه میکرد که ارزیابی عینی و صافانه شخصیت افراد را مد نظر قرار دهند . لنین نقائص کار این یا آن همکار خود را آشکارا و بی پرده خاطر نشان میساخت .

احترام به نظر اکثریت

در تمام مسائل مهم لنین با اعضاء کمیته مرکزی ، کمیته های ملی و کسانی که در سایر ارگانهای رهبری بودند مشورت میکرد . هر گاه لنین ریاست جلسه ای را بر عهده داشت نمیخواست عقیده خود را بر دیگران تحمیل کند . با دقت تمام به استدلالات سایرین توجه میکرد . همه کسانی که در جلسه صحبت میکردند عقیده خود را صریحاً بیان میکردند . اگر در نظریات و پیشنهاد ها کمترین تضادی پیدا میشد ، مسئله را به رأی میگذاشت . اتفاق میافتاد که اکثریت کمیته های ملی به تصمیمی رأی میدادند که با عقیده لنین موافق نبود ، در چنین مواردی لنین به نظر اکثریت تسلیم میشد . هر گاه موضوع اهمیت اصولی داشت به تصمیم ارگانهای عالیتر حزب و دولت واگذار میکرد . لنین هرگز فقط نیروی اوتوریت خود را بکار نمیبرد . او گوش میکرد دیگران را به حقانیت خود قانع کند . سعی میکرد کار را

دنباله در صفحه ۷

خود را که در رهبری حزب بودند دعوت نمود و به آنان چنین گفت :

با نگرانی تمام می بینم که تجلیل از شخص من شروع شده است . این دردناک و زبان بخش است . برای من شخصاً نامطبوع است که در این مورد دستوری صادر کنم . ممکن است مسخره آمیز و متفرعانه بنظر آید . وظیفه بر شماست که بتدریج جلوی این جریان را سد کنید .

سال ۱۹۲۰ کمیسیون جمع آوری اسناد برای تنظیم تاریخ حزب کمونیست روسیه (بلشویک) و انقلاب اکتبر ، تصمیم گرفت به جمع آوری اسناد برای موزه ای که قرار بود بنام لنین بوجود آید بپردازد . لنین این تصمیم را جدا رد نمود و به م . س . اولینسکی که تصمیم کمیسیون را به اطلاع وی رسانده بود گفت : « شما نمیتوانید تصور کنید که عرضه داشت دائمی شخصیت من ، برایم چقدر ناخوش آیند است » .

در شروع آخرین جلسه نهمین کنگره حزب ، برخی از نمایندگان پیشنهاد کردند که این جلسه به پنجاهمین سالگرد تولد لنین اختصاص داده شود . این پیشنهاد با تأیید تمام نمایندگان روبرو شد . لنین که در جلسه شرکت داشت این پیشنهاد را پذیرفت و گفت : « رفقا ! بهتر است سرود انترناسیونال بخوانیم . نمایندگان شروع به خواندن انترناسیونال کردند . ولی پس از آن سخنرانها درباره زندگی و آثار لنین آغاز شد . لنین علیرغم آنکه از او تقاضا شد در جلسه بماند ، جلسه را ترک گفت و از اطاق کارش هیئت رئیسه را با تلفن و یاد داشت بهاران نمود تا زودتر به سخنرانها پایان دهد . کنگره در همین جلسه تصمیم گرفت آثار لنین را منتشر سازد .

پس از کنگره نهم در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ ، کمیته حزبی مسکو بمناسبت پنجاهمین سالگرد تولد لنین ، جلسه ای از بلشویک ها تشکیل داد . رفقای زیادی صحبت کردند . لنین تقاضا کرد هنگام ایراد سخنرانها او را از حضور در جلسه معاف دارند و فقط در پایان جلسه حضور یافت . او نطقش را با این آرزو که کاش خصلت اینگونه سالگرد ها تغییر می پذیرفت آغاز نمود و سپس درباره وظایف حزب صحبت کرد .

لنین شخص پرستی را که با سرشت مارکسیسم بیگانه است محکوم میکرد . او مردم و توده های زحمتکش را آفرینندگان واقعی تاریخ



لنین

لنین ، کوجان خود را چون شرر افکند بر نا کس نظر بر پیش کرد و ننگرید از بیم زی واپس تو گسر رمز بشر جوئی ، مثال عالیش بررس مشور بر جیفه غارتگری مشتاق چون کرکس

عقابی باش و سیری کن نشاط چرخ گردان را چنان طرحی پدید آورد آن دانای کار آمد که پیدا شد جدائی بین ننگ و نام و نیک و بد بشور آمد بشر بر ضد قومی شوم تر از دد سپاه دشمنان بسیار ، لیکن دوستان بیعد

شکست آخر از خصم است ، پیروزیست یاران را زمان از بهر هر کس اینچنین نقشی نمی سازد ز موج سال ها هر بار گردی قد نیافرزد کدامین ناخدا در بحر قلزم لنگر اندازد بجز از جنگ با امواج که بیگر نیردازد که تا از ورطه برهاند گسسته بادبانان را ؟

بسا نام آوران ، پر کبر و قدرت ، غرقه اندر زر ز خود در سیر هستی جابری کردند گردونفر به مرداب عدم مدفون شدند از موزه تا مغفر بجز لعنت نماند از آنهمه غوغای ترس آور

که وقف خویشتن کردند عمری زشت بنیان را ولی میدان گردی چون لنین ، اینک پس از صد سال شود گسترده تر ، سیمرغ افکارش گشاید بال چرا ؟ زیرا همه اعمال او بد در ره اعمال چو پشاهنگ مردم بود ، خلقتش رفت از دنبال

یکی فصل شگرف افزود مر تاریخ انسان را .